هفته نامهٔ
وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم
مجاهد
ارگان نشراتي جمعيت اسلامي افغانستان

سرمقاله
بلا و دعا
ص۲

حق انسان در انتخاب کردن
ص۶

دور ششم – سال نهم – شمارهٔ شانزدهم ۱٦ اسد ۱۳۸۹ ۲٦ شعبان المعظم ۱۴۳۱ - 7 Agu 2010

افغانستان، کشوری تجزیه ناپذیر



طرح تجزیهٔ افغانستان هرگز مجالی برای عملی شدن ندارد و کسانی که این گونه پیشنهادها را مطرح می کنند، از وضع و شرایط افغانستان اطلاع دقیقی ندارند.

در آستانهٔ فروپاشی اتحاد شوروی، ساموئیل هاتینگتون با مطرح کردن تئوری جنگ تمدن ها، اعلام نمود که اکنون جهان وارد عصر جدیدی شده است. اکنون جنگ میان ایدئولوژی ها جای خود را به جنگ میان تمدن ها داده است. این تئوری مورد توجه و قبول نو محافظه کاران در ایالات متحدهٔ امریکا قرار گرفت و موضوع جهانی شدن مبدل به یکی از مقوله های مورد توجه در سیاست جهانی ایالات متحدهٔ امریکا گردید.

جهانی شدن برای بسیاری از ملت ها موجب نوعی نگرانی در جهت حفظ هویت شان شد و مخالفت هائی ابراز گردید. این مسئله موجب شد تا تلاش در جهت جهانی شدن از تب و تاب اولیهٔ خویش فرو ماند. ص۳

اندر باب لست سیاه و باقی ماجرا!!
ص۲



چهارمین اجلاس رهبران کشورهای افغانستان، ایران و تاجیکستان در تهران

از مهم ترین نکات مورد توافق در این اجلاس تأکید بر همکاری های بیشتر اقتصادی، فرهنگی، آسانتر کردن رفت و آمد میان ساکنان سه کشور و برگزاری اجلاس بعدی در کابل اعلام شده است.

اعلامیهٔ مشترک تهران، چهارده ماده دارد که موضوعات متعددی را در بر می گیرد. در صورتی که این توافق نامه جنبهٔ تطبیقی به خود بگیرد، فرصت مناسبی در نزدیکی بین ملت ها و دولت های کشورهای فارسی زبان، در این منطقهٔ بحرانی خواهد بود.

براساس آنچه در این بیانیه آمده، رهبران سه کشور تأکید کرده اند که به منظور تقویت روابط فرهنگی و شناخت بیشتر مردمان این کشورها از همدیگر، تسهیلات بیشتری برای تردد و رفت و برگشت قانونمند شهروندان این سه کشور فراهم نمایند.

تأکید بر احداث راه آهنی که تاجیکستان را از طریق شمال افغانستان به ایران وصل کند، از دیگر نکات این بیانیهٔ مشترک است.

همچنین رهبران سه کشور توافق کردند که امور ترانزیتی سه جانبه، مورد بازبینی کارشناسانه قرار گیرد و تاجیکستان پیش نویس توافقنامهٔ را در این مورد آماده کند و آن را در اختیار دو کشور دیگر قرار دهد.

انتقال برق از تاجیکستان به ایران از طریق افغانستان، استفاده از فیبر نوری میان سه کشور، گسترش همکاری های عملی، فرهنگی و آموزشی میان سه کشور، از دیگر مواردی این بیانیهٔ مشترک است.

در این اعلامیه همچنین آمده است که هر سه رهبر یکبار دیگر "به نقش سازندهٔ یک شبکهٔ تلویزیونی مشترک تاکید کردند و مسوولان سه کشور را موظف کردند تا روند تأسیس این تلویزیون را تسریع بخشند.

تاسیس یک شبکه تلویزیونی مشترک توسط سه کشور فارسی زبان، در نخستین ص۵



په پاکستان کې په اتیا کلونوکې له تولو ستر سیلابونه
ص۵



اتحادیهٔ عرب و تصمیم مذاکرهٔ مستقیم فلسطین با اسرائیل
ص۷

N.D.I او زمونږ ونډه
ص ۵

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: کابل چوک دهمزنگ به استقامت سرک دارالامان، دست چپ نرسیده به هوتل کابل شاهان
شمارهٔ تلفن: ۰۷۰۰۲۸۵۱۳۹
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo. com

سرمقاله

بلا و دعا

در دو هفتهٔ اخیر، باران های شدید و جاری شدن سیل، در چندین ولایت کشور، به خصوص در ولایات شرقی، باعث تلفات و خساراتی گردید.

ده ها تن از هم وطنان ما شهید و صد ها تن دیگر مجروح و مصدوم گردیدند و صدها خانه و کاشانه و صدها جریب زمین زراعتی در امواج خروشان سیل تباهکن، تخریب گردید.

تنها انفجار و انتحار و جنگ و نا امنی، بلا و آفت نیست که دامنگیر هموطنان می شود، برخی از مردمان کشور ما در کنار سایر بلاهای خانمان سوز و خانه بر انداز طبیعی نیز مواجه گردیدند.

ما تنها از فقر و فساد اداری رنج نمی کشیم بلکه با بلاها و آفت های دیگری نیز مواجه هستیم که همه و همه باید با اندیشه، فکر و تدبیر و در صدد چاره جویی بر آئیم تا این بلاها برما نازل نشود و زندگی و خانهٔ ما را با خود نبرد.

در برابر بلاها و آفات طبیعی چه می توان کرد؟ تاکنون هیچ فرد و کشوری نمی تواند با وسایل و آلات پیشرفته، جلو این آفت ها را بگیرد و جلوگیری از بروز و یا مهار آن از توان انسان ها بیرون است. ما نمی توانیم وضع جوی را تغییر بدهیم و از وقوع سیلاب ها جلو گیری کنیم.

بشر تا کنون توانسته است که فقط پیش بینی کند و از احتمال ریزش باران و جاری شدن سیل و تلفات و خسارات احتمالی آن خبر بدهد ولی هرگز نتوانسته است در باریدن باران نقش داشته باشد و یا از آن جلو گیری نماید.

ما به حیث مسلمان بر این باوریم که ابر و باد و مه و خورشیه همه در اختیار و فرمان خدای متعال اند و ما انسان ها نمی توانیم با آوردن تغییر در اعمال و افعال خود، از وقوع و بروز این بلا ها و آفت ها جلوگیری کنیم.

ما باید به پیشگاه خداوند متعال از گناهان خویش توبه کنیم و از بارگاه خداوند، عفو و مغفرت و بخشش را مطالبه نماییم.

ما درحالی که از تلفات جانی و خسارات مالی هموطنان خویش در جریان این باران ها و سیل ها، سخت متأثر و رنج دیده ایم و به روان شهدای این حوادث درود می فرستیم، با خانواده های شهدا اظهار همدردی می نمائیم از بارگاه خداوند بزرگ با عجز و افتادگی با دست نیاز می خواهیم که مردم و کشورما را از وقوع این حواث و سایر حوادث مرگبار، در امان نهگدارد، برگناهان ببخشاید و مارا مورد لطف و کرم خویش قرار دهد. آمین

اندر باب لست سیاه و باقی ماجرا!

ابوبکر سبزوار

از مدتی به اینسو موضوع لست های سازمان ملل متحد و امریکا که در آن نام عده یی از افراد القاعده و طالبان درج است، موضوع بحث محافل سیاسی در داخل و خارج افغانستان بوده است. برای نخستین بار قبل از کنفرانس لندن در ماه مارچ امسال نام پنج تن از کسانی که گفته می شد از اعضای سابق طالبان اند از لست شورای امنیت سازمان ملل متحد حذف شد و برخی از نهاد های مدافع حقوق بشر از این موضوع ابراز نگرانی کردند. این درحالست که این گونه نهادها در مورد کشتار غیرنظامیان افغان به دست نیروهای خارجی خاموش اند.

اما این لست ها تا چه حد دقیق است؟ به نظر می رسد که این لست ها توسط کسانی ترتیب شده که شناخت درستی از طالبان نداشته اند. به عنوان مثال نام کسانی هم در این لست ها درج است که مدت ها قبل فوت کرده یا کشته شده اند.

نام مولوی عبدالباقی حقانی یکی از مقامات طالبان در این لست به جای سه نفر درج است زیرا وی درسه پست در زمان طالبان ایفای وظیفه نموده بود. شاید افراد دیگری هم در این لست ها با موقعیت مشابه وجود داشته باشد.

از مدت ها قبل دولت افغانستان تقاضا داشت تا نام عده یی از سران طالبان به منظور حسن نیت از لست سیاه سازمان ملل متحد حذف گردد. در جرگهٔ مشورتی صلح نیز شرکت کنندگان تقاضای مشابهی را از جامعهٔ جهانی مطرح نمودند. اکنون تعدادی از این افراد از لست سازمان ملل حذف شده اند.

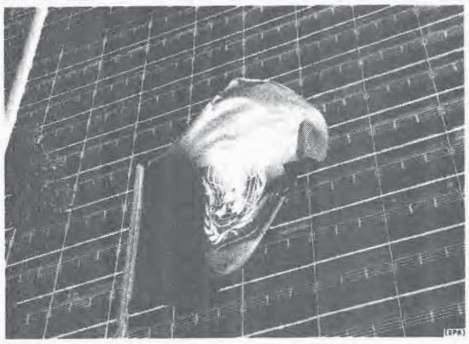
این افراد از کسانی نیستند که در صف مقابل درگیر جنگ با نیروهای خارجی و افغان اند بلکه در لست پنجاه نفر که جکومت افغانستان غرض حذف به سازمان ملل متحد ارائه نموده بود کسانی شامل بودند که بعد از سرنگونی نظام طالبان در کابل زندگی می کردند.

در ابتدا گفته شد که فقط پانزده نفر حذف خواهند شد اما بعدا این تعداد هم به پنج نفر تقلیل یافت اما جالب است زمانی که این لست به نشر رسید، در کنار سه نفری که در قید حیات اند، دو نفر که سال ها قبل کشته شده اند نیز از لست حذف شدند. ملا عبدالصمد خاکسار که پنج سال قبل در جریان کمپاین انتخابات پارلمانی در قندهار ترور شد و مولوی محمد اسلام محمدی سابق والی طالبان در بامیان و نمایندهٔ پارلمان در دور اول که او نیز به دست افراد نامعلوم، در کابل به قتل رسید.

هدف از حذف نام طالبان از لست به این دلیل صورت می گیرد تا زمینه برای مذاکره با آن ها میسر گردد اما وقتی نام مرده ها از لست حذف می شود، این کار مسخره به نظر می رسد. این کار به این معنی است که فقط نام کسانی حذف می شود که آن ها درگیر جنگ نیستند. چه مرده و چه زنده.

اما سوال اینست که اگر معیار حذف نام عدم شرکت آنان در جنگ باشد پس آن طالبانی که در نبرد با نیروهای امریکا و ناتو در افغانستان کشته شده اند نیز دیگر درگیر جنگ نیستند مانند ملا دادالله، قاری احمدالله و ملا اخترمحمد عثمانی. آیا نام این افراد از لست حذف خواهد شد؟

> **هدف از حذف نام طالبان از لیست به این دلیل صورت می گیرد تا زمینه برای مذاکره با آن ها میسر گردد اما وقتی نام مرده ها از لیست حذف می شود، این کار مسخره به نظر می رسد.**



اگر منطق برای ساختن این لست ها این باشد که افراد شامل لست برای منافع امریکا خطر ایجاد می کنند، آیا امریکا و سازمان ملل متحد از مرده ها هنوز هم احساس خطر می کنند که نام های اینگونه افراد هنوز هم در لست سیاه قرار دارد؟!

در مورد سراج الدین حقانی و نصیرالدین حقانی امریکا تصمیم گرفت تا نام این افراد را در لست سیاه شامل ساخته بر مسافرت های آنان قید وضع نموده و دارائی های بانکی آنان را منجمد سازد. این کار در مورد تمام طالبانی که نام شان در لست سیاه درج است اعمال می شود.

اعلام این که دارائی های بانکی طالبان منجمد شده نیز خنده دار است. اول اینکه طالبان نظام بانکی را خلاف شریعت می دانند و پول در بانک نمی گذارند. ازطرف دیگر کسی که تحت تعقیب قرار دارد و درگیر جنگ است، چگونه می تواند به نام خودش حساب بانکی داشته باشد؟

تعدادی از کسانی که نام شان در این لست درج است در زندان های امریکائی ها به سر می برند. تعدادی از این اشخاص در زندان گوانتانامو زندانی اند. کسانی که از زندان آزاد شدند، اصولا باید نام شان از لست حذف می شد زیرا اگر این افراد هنوز هم برای امریکا خطر تلقی می شوند، چرا باید از زندان آزاد شوند؟ اما کسانی که از زندان آزاد می شوند نام شان هنوز هم در لست سیاه باقی می ماند. نام کسانی چون مولوی متوکل و ملا عبدالسلام ضعیف سال ها پس از آزادی از زندان از لست سیاه حذف شد.

گفته می شود که هدف از حذف نام افراد از لست سیاه اینست که دیگران به پیوستن به پروسهٔ صلح تشویق گردند. اما طالبانی که در صف مقابل درگیر جنگ اند این سوال را از خود خواهند کرد که وقتی نام کسانی که درگیر جنگ هم نبودند سال ها بعد از لست حذف می شود، نام کسانی که در جنگ و کشتن خارجی و داخلی دست داشته اند هرگز از لست حذف نخواهد شد. پس اینگونه افراد به پروسهٔ صلح نخواهند پیوست. در اینجا چیزی به نام تشویق وجود ندارد.

حذف نام مرده ها از این لست ها شاید از نظر امریکائی ها و سازمان ملل متحد نوعی (اعادهٔ حیثیت) به آنانی تلقی گردد که دیگر زنده نیستند اما در افغانستان مردم این کار را اعادهٔ حیثیت تلقی نمی کنند. ارزش ها در اینجا با تصور غربی ها هماهنگ نیست بلکه برعکس مردم به اینگونه عملکردها به نگاهی تمسخر آمیز می نگرند.



افغانستان، کشوری تجزیه ناپذیر

* وحید مژده *

همانگونه که برای پاکستان تجزیهٔ افغانستان به معنی آغاز تجزیهٔ این کشور است، ایران به خاطر اقلیت بلوچ در مرزهایش با افغانستان و پاکستان، هرگز نمی تواند با این طرح موافق باشد.

ادامه از صفحهٔ اول

اما در همان دورانی که سیاست مداران در امریکا تئوری جنگ تمدن ها را برای اهداف خویش در جهان پس از جنگ سرد موافق یافتند و سیاست های امریکا بر بنیاد آن استوار شد، در مورد تاکتیک های رسیدن به این هدف نیز برنامه هائی طرح گردید.

بعد از جنگ سرد دیگر دلیلی برای ادامهٔ حیات ناتو احساس نمی شد زیرا پیمان وارسا از میان رفته بود و دیگر پیمان نظامی در جهان که ناتو باید به خاطر آن به حیات خود ادامه دهد وجود نداشت. باید دشمنی فرضی به میان می آمد. فردای فروپاشی اتحاد شوروی این دشمن فرضی را امریکا به جهان معرفی کرد و آن اسلام بود.

اما تاکتیک های مبارزه با این دشمن جدید چگونه باید می بود؟ مقابله با گرایش هائی که هدف از آن پان اسلامیزم بود و توسط اسلام گرایان عنوان می شد ایجاب می کرد تا با حربهٔ قوم گرائی با آن مقابله صورت گیرد. کاری که استالین در مورد بخارا و خیوه انجام داده بود و آن مناطق را به نام های تاجکستان، ازبکستان، ترکمنستان... تجزیه کرد تا حس قومیت گرائی را جانشین احساسی نماید که ریشه در یگانگی امت اسلامی دارد.

در آستانهٔ فروپاشی اتحاد شوروی در سال ۱۹۹۰ بود که نقشه یی از بخشی از آسیا در رسانه ها به نشر رسید که توسط سازمان سیای امریکا ترتیب شده بود. در این نقشه بعضی از کشورها در جنوب آسیا، شرق میانه و آسیای میانه از نظر مرزهای جغرافیائی دستخوش تغییراتی شده بودند. تقسیمات احتمالی بر بنیاد قومی صورت گرفته بود. به این معنی که کشور های جدیدی بر بنیاد قومیت با تجزیهٔ کشورها در این نقشه پیشبینی شده بود.

امریکا به عنوان یگانه ابرقدرت در جهان این که قصد انجام همان کاری را داشت که استالین قبل از جنگ جهانی دوم در آسیای میانه انجام داده بود.

تقسیم بندی بر بنیاد قومیت به این معنی بود که با جدا شدن پارچه هائی از کشور های افغانستان، پاکستان، ایران، ترکیه، و عراق و بعضی از کشور های آسیای میانه، کشور های جدیدی به نام پشتونستان، بلوچستان و کردستان به میان آید و بعضی از کشور های آسیای میانه بزرگتر و یا کوچکتر گردند.

وقتی در سال ۱۹۹۰ امریکا به منظور آزادی کویت به عراق حمله ور شد، تلاش هائی به منظور تقسیم عراق آغاز گردید. هرچند در آن زمان رژیم صدام حسین در عراق سرنگون نشد اما مناطقی از عراق تحت حفاظت هوائی امریکا قرار گرفت. امریکا در آن زمان مردم عراق را به سه قوم، شیعه، سنی و کرد تقسیم کرد. این تقسیم بندی که دو تای اول آن بر بنیاد مذهب وسومی بر اساس قومیت است به این معنی است که کردها نه شیعه اند و نه سنی در حالی که از نظر مذهبی کرد ها سنی مذهب اند. بعد از سرنگونی رژیم صدام حسین تلاش هائی به منظور به میان آمدن یک کردستان مستقل در عراق مورد تائید امریکا قرار گرفت. اصولا امریکا وقتی از کنترول وضع در کشوری عاجز آمده، آن کشور را به دو قسمت تقسیم کرده است. کوریا و ویتنام مثال های روشن از این سیاست های امریکا در آسیاست.

سوال اینست که آیا اکنون امریکا در صدد است این مدل را در این منطقه از جهان پیاده نماید؟ ظاهرا چنین است و اکنون کسانی در امریکا این آواز را بلند کرده اند.

رابرت بلیک ویل سفیر سابق امریکا در هندوستان مدتی قبل پیشنهاد کرد که برای کنترول افغانستان باید این کشور تجزیه گردد و بعد از وی پیتر گالبرایت معاون (کای آیده) نمایندهٔ سابق سازمان ملل متحد در افغانستان و پاکستان نیز همین پیشنهاد را تکرار کرد.

قبل از این جریان، دولت امریکا اعلام نمود که تحقیقاتی که بعضی از نهاد های تحقیقاتی در مورد ذخایر معدنی افغانستان انجام داده اند نشان می دهد که این کشور به ارزش بیش از یک هزار میلیارد دالر ذخایر مختلف زیر زمینی دارد.

میزان ذخایر معدنی افغانستان مسئله یی نیست که به تازگی کشف شده باشد. ده ها سال است که همه می دانند افغانستان سرشار از ذخایر گرانبهای معدنی است اما حکومت های مختلف در افغانستان جزئیات این مسئله را مخفی نگهداشته بودند زیرا امکان داشت افراد یک قوم که ذخیره یی از یک مادهٔ گرانبهای معدنی در منطقهٔ مسکونی آنان قرار دارد، به این فکر بیافتند که وقتی چنین گنجی را در اختیار دارند پس چرا باید آنرا با دیگران قسمت کنند؟ در این صورت نتیجه گرفته می شود که کوچکتر بودن به معنی ثروتمند تر بودن است. این مسئله می توانست به نوعی تلاش در جهت خود مختاری محلی و بعدا تجزیه بیانجامد.

حکومت های گذشته در افغانستان در کنار نامساعد بودن شرایط اقتصادی و تخنیکی یعنی نبود کادرهای فنی داخلی که می توانست بخش بزرگی از عاید حاصله را به جیب متخصصین، کمپنی ها و کشور های خارجی بریزد، شرایط سیاسی در کشور را نیز در نظر داشتند یعنی ترس از اینکه این منابع طبیعی موجب گردد تا کشور های خارجی در رقابت بر سر تصاحب این منابع، افغانستان را بی ثبات سازند. درست همین نگرانی را رئیس جمهور کرزی پس از اعلان اینکه در افغانستان منابع عظیم معدنی وجود دارد، ابراز نمود. پس می توان گفت که اعلام میزان ذخایر معدنی افغانستان در چنین موقعیت حساس، می تواند بخشی از همین توطئه به منظور تجزیه باشد.

کشورهای کوچک را می توان آسانتر کنترول کرد و تجربهٔ نه سال جنگ بی حاصل امریکا در افغانستان نشان داد که این کشور را نمی توان به آسانی کنترول کرد اما وقتی بخشی از این کشور از پیکر اصلی آن تجزیه گردد، جنگ داخلی این کشور را به پارچه های بیشتری تقسیم خواهد کرد که این تقسیمات بر بنیاد قومی صورت خواهد گرفت.

اما تجربه در افغانستان نشان داده که تقسیم این کشور به پارچه های کوچکتر هم مشکل را حل نخواهد کرد. تلاش امریکا و ناتو برای تامین امنیت در مارجه که بخشی از یک ولسوالی است ناکام بوده است.

اما در برابر این طرح موانع مهم داخلی و خارجی وجود دارد. مردم افغانستان خواستار افغانستان یک پارچه و متحد اند و از هیچ گونه گرایش تجزیه طلبانه پشتیبانی نمی کنند. به همین دلیل هیچ گروهی تجزیه طلب حتی در بدترین شرایط جنگ داخلی مجال آنرا نداشته است تا از حمایت حتی گروه کوچک از مردم برخوردار گردد.

شرایط جغرافیائی افغانستان به عنوان یک کشور محاط به خشکه نیز مانعی بر سر راه این هدف است. تجزیهٔ یک کشور محاط به خشکه به دو یا چند کشور دیگر که آنها نیز راه به بحر نداشته باشند، امکان استفاده از منابع طبیعی را هم سخت دشوار می سازد. ایجاد مرزهای جدید با محدودیت های زیادی همراه خواهد بود و به فرض اینکه چنین کاری صورت بگیرد، کوهستانی بودن افغانستان مانع بزرگی بر سرراه چنین طرحی است.

شرایط در منطقه هم برای پیاده نمودن چنین طرحی نامساعد است. دو کشور همسایهٔ افغانستان یعنی پاکستان و ایران به اندازهٔ مردم افغانستان تطبیق چنین طرحی را برای خود خطر می بینند به خصوص پاکستان که بخاطر ترس از تجزیهٔ افغانستان و به میان آمدن کشوری از پشتون ها در نتیجهٔ این حالت، همیشه نگران بوده و به همین دلیل حتی زمامداران غیرپشتون این کشور نیز از حقوق پشتون های افغانستان سخن گفته اند در حالی که در کشور خود شان به خواست مردم پشتون کمتر توجه داشته اند.

همانگونه که برای پاکستان تجزیهٔ افغانستان به معنی آغاز تجزیهٔ این کشور است، ایران به خاطر اقلیت بلوچ در مرزهایش با افغانستان و پاکستان، هرگز نمی تواند با این طرح موافق باشد. در زمان سلطنت ظاهرشاه در افغانستان که موضوع پشتونستان توسط افغانستان مطرح شد، ایران هیچگاه با به میان آمدن کشوری به نام پشتونستان موافق نبود و از این خواست افغانستان حمایت نکرد زیرا پشتونستان از طرف دولت افغانستان به عنوان طرحی برای (احقاق حقوق حقهٔ مردم پشتون و بلوچ) مطرح می شد. در زمان صدارت ذوالفقار علی بوتو، شاه ایران با دولت پاکستان در سرکوب بلوچ ها کمک های نظامی می کرد و حتی طیارات ایرانی مواضع بلوچ ها در داخل خاک پاکستان را بمباران می کردند.

بنابراین طرح تجزیهٔ افغانستان هرگز مجالی برای عملی شدن ندارد و کسانی که این گونه پیشنهادها را برای خروج امریکا از بن بست افغانستان مطرح می کنند، از وضع و شرایط افغانستان اطلاع دقیقی ندارند. این گونه خواب ها را اتحاد شوروی هم برای افغانستان دیده بود که هرگز تعبیر نشد.

ادبیات تطبیقی چیست

پوهندوی عبدالعلی کوهی / استاد دانشگاه کابل

نزدیک به دو قرن از پیدایش دانش ادبیات تطبیقی می گذرد. در این مدت این دانش، منتقدان موافق و مخالف زیادی داشته است. اندیشمندان و منتقدان کشور های که دارای ادبیات ریشه دار و پربار هستند، در کنار این تلاش ها از این دانش نو پا برای ترویج اندیشه و آثار ادبی خود بهره برده اند، شاعران و نویسندگانی را به ملت های دیگر شناساندند و از اندیشه و آثار آنها، در جهت بارور کردن ادبیات، فکر و اندیشه خود سود جستند. بحث ادبیات مقارن در حقیقت در یک تقابل ادبیات جهانی مطرح میشود. ادبیات تطبیقی، همان روابط فرهنگی، ادبی ملت ها با یکدیگر است.

کشور فرانسه را زادگاه ادبیات تطبیقی خوانده اند زیرا دانشمندان فرانسوی نخستین کسانی بودند که در این شیوه به تحقیق پرداختند و فرانسوا آبل ویلمان در سال ۱۸۲۸ م در کلاس درس خود از تاثیر متقابل ادبیات انگلیسی، ایتالیایی و فرانسوی بر یکدیگر سخن گفت و برای نخستین بار اصطلاح ادبیات تطبیقی را به کار برد و به مطالعهٔ ادبیات شرق و غرب پرداخت و دانشجویان خود را به پژوهش در ادبیات ملت های دیگر بر انگیخت.

ادبیات تطبیقی همانند خود ادبیات از آن ملت ها است و همان گونه که ادبیات همزاد انسان است ادبیات تطبیقی نیز همزاد اندیشه و زبان انسان است؛ از آن روز که انسان زبان به سخن گشود و اقوام و ملت ها پدید آمدند، ادبیات تطبیقی نیز به وجود آمد. هر ملتی، نخبگان و اندیشمندانش با دیدگاه خاص که محصول عامل و عناصر گوناگون؛ چون: محیط، نژاد، وراثت، زمان، زبان، فرهنگ و ... است به ادبیات جهان نگاه می کنند و بنابر درک و دریافت خود اثر و ایجادیات خود را به وجود می آورند. نظریات متحد و موافقی که دانشمندان پیرامون این دانش ارائه داشته اند همان بررسی روابط ادبی میان ملت ها می باشد. وارد شدن به قلمرو مطالعه و شناخت فرهنگ ها، آثار و اندیشه های بشری، در واقع همان پرداختن به ادبیات و پژوهش های تطبیقی است؛ چنانچه شعر (کتیبه) از مهدی آخوان ثالث افسانه سیزیف را به ذهن می آورد: همین گونه کمیدی الهی دانته برگرفته از اندیشه های دانشمندان اسلامی است که در آن معراج پیامبر اسلام را به یاد می آورد.

مقایسهٔ متون همسان و بررسی مفاهیم و مضامین مشترک و احیاناً نزدیک به هم را بحث ادبیات تطبیقی ملت ها تشکیل می دهد. ادبیات تطبیقی در خصوص ادبیات عربی و فارسی دری تاریخ بسیار دلچسپ دارد، از زمان فتح قادسیه در سال ۱۷ هجری که سلطه ساسانی ها به پایان می رسد، تاثیر و تاثر بین ادبیات عربی و فارسی دری از دلچسپ ترین ادبیات دو ملت به شمار می رود. به رنگ نمونه یک مورد از آن در اینجا نقل میشود، به گفته جاحظ در کتاب المحاسن و الاضداد اینطور ذکر کرده است: (و وقع عبدالله بن طاهر من سعی رعی و من لزم المنام رأی الاحلام) مولف ادامه داده میگوید: (هذا المعنی سرقه من توقیعات انوشیروان)، یعنی این مفهوم از توقیعات انوشیروان به سرقت برده شده است که گفته است: (هر رود چرد و هر که خسپد خواب بیند). لازم به یاد آوریست که در زمینه ادبیات تطبیقی در کشور ما کار های در خوری انجام نشده است.

ادبیات تطبیقی در زبان عربی به نام الادب المقارن شهرت یافته است که بحث ادبیات شناسی عمومی را شامل می گردد که متون مشترک ادبیات جهان را مورد بحث و مطالعه قرار می دهد. ادبیات تطبیقی امروز اهمیت جهانی پیدا کرده است. این ادبیات به طور خلاصه عبارت است از بررسی ادبیات ملی و روابط تاریخی آن با ادبیات ملت های دیگر میباشد. در این تحقیق چگونگی این ارتباط و تاثیر پذیری آنها از یکدیگر و تاثیر گذاری آنها بر یکدیگر را شامل میباشد. آن دسته از آثار ادبی که به یک زبان نوشته شده است، به قول دانشمندان این علوم در دایره بررسی های ادبیات تطبیقی نمی گنجد.

بطور مثال مطالعه حافظ و سعدی در ادبیات فارسی دری و بحتری و شوقی در ادبیات عربی شامل ادبیات تطبیقی بوده نمی تواند. مقایسهٔ دو ادیب، دو شاعر و دو نویسنده هم زبان در حیطهٔ ادبیات تطبیقی شامل نمی گردد، مثلاً وقتی پیرامون مقامه ها تحقیق گردد دیده می شود که مقامات بدیع الزمان همدانی متاثر از ابن فارس است و این تاثیر بعد ها به حریری منتقل می گردد. به دلیل این اختلاف دو زبان عربی و فارسی دری می توان پیرامون این موضوع به تحقیق پرداخت.

داستان های عاشقانهٔ عربی؛ مانند: جمیل و بثینه، عزه و لیلی و مجنون به دلیل اشتراک زبانی موضوع مناسب برای پژوهش های تطبیقی نیستند؛ ولی داستان لیلی و مجنون می تواند موضوع مناسب در جهت بررسی های تطبیقی باشد به شرط اینکه با داستان های مشابه خود در ادبیات ملل دیگر مقایسه شود یا اینکه شاعری از سرزمین های دیگر از آن متاثر شود و آنرا به زبان ملی خود در آورد، مثل منظومه لیلی و مجنون نظامی و دیگر شاعران زبان دری که تحت تاثیر داستان مذکور در ادبیات عربی سروده شده است.

در افسانه ها نیز این موضوع صدق می کند، شاهنامه فردوسی که در بر گیرندهٔ افسانه های کهن آریایی است و شاهنامه های دیگر که به تقلید از آن سروده شده است موضوع بحث ادبیات تطبیقی بوده نمی تواند، گرشاسپ نامه طوسی که به تقلید از شاهنامه فردوسی سروده شده، از آنجائی که هر دو به زبان فارسی دری سروده شده است با موجود بودن زبان مشترک بررسی تطبیقی در آنها موجه نمی باشد؛ اما اگر این داستان ها وقتی به ادبیات غرب راه یابد و از آن تقلید گردد بحث ادبیات تطبیقی شده می تواند. همینگونه تقلید ادیبان غرب از کتاب کلیله و دمنه می تواند موضوع بحث ادبیات تطبیقی گردد و یا ترجمهٔ رباعیات خیام و سعدی که به زبان های اروپایی ترجمه شده است، بحث ادبیات تطبیقی است و یا تاثیر پذیری مولانا از متنبی شاعر عرب نیز زمینه های آشکار ادبیات تطبیقی را میان دو شاعر فارسی و عربی به میان می آورد.

همینگونه تاثیر پذیری شاعر آلمانی از حافظ شیرازی در دایرهٔ ادبیات تطبیقی قرار می گیرد. ما می توانیم نمونه هایی فراوانی را در ادبیات ملت های جهان مشاهده نمائیم که شامل بحث ادبیات تطبیقی می باشد.

کوله بار فقر

کمال الدین غبرا

اشکم که شرح بیضهٔ فولاد می کند
در سینه کار تیشهٔ فرهاد می کند
بشنو به عرض و شکوهٔ قلب فگار من
هر لحظه شور و ولوله ایجاد می کند
اندوه قرض، تاخته بر کشور دلم
عفریت فقر، وحشت و بیداد می کند
این کوله بار فقر و ا لم را کجا برم؟
قلبم درین زیان کده فریاد می کند
دیگر به کوی یأس مرا ن از کرم مرا
بس باشدم زمانه که بنیاد می کند
در انتظارخانهٔ لطفت به صد نیاز
اینک نشسته ام که مرا یاد می کند
بادا خدای در دو جهان یار آن کسی
اندر دیار فقر، دلی شاد می کند
(غبرا)که خسته بر درکاخت نشسته است
گویند: پاس هردل ناشاد می کند

زیر تازیانه...

کسی که داده به بیگانه خانهٔ پدری
سزای اوست همین کوله بار ودربدری

کسی که داروندار پدر سپرده به باد
همیشه است به درگاه سفله گان کمری

سزای اوست همین داغ تازیانهٔ غیر
سزای اوست همین زخم وضربت تبری

تعجبی نبود گر بود همیشه گدا
گدای لقمهٔ نانی ، شکسته وکمری

هرآنکه خاطر صیاد ، خوش نگه دارد
کشد مصیبت دام وغم شکسته پری

به مکر غول بیابان همیشه در بند است
مسافری که ندانسته فرق دیو وپری

به رایگان نچشد کس گلاب آزادی
به مفت وباوه نبخشند شربت شکری

کجا رهد زغلامی ، کجا رسد به مراد
کسی که بهر رهایی نکرده جامه دری

شنو زخواجهٔ رندان ، طلایه دار غزل
«که بنده را نخرد کس به جرم بی هنری»

په پاکستان کې په اتیاکلونو کې له ټولو ستر سیلابونه



ن شفیق

داوړي په موسم کې چې دسیمې هیوادونه همیش دسیلابونو شاهدوي او زمونږ جنوب لوري ته هیوادونو (هند، سریلانکا، بنگله دیش او پاکستان کې هر کال درانه تلفات لري چې دتجاربوله مخې پدې ځوکلونو کې دغه تلفات دهند او سریلانکا په پرتله په بنگله دیش او بیا په پاکستان کې له هر مخکیني کال په پرتله زیات شوی وو خوسږ کال یې زمونږ هیواد ته هم زیات زیانونه ورسول او بنایې دبارانونوداقلیمي او موسمي موقعیتونو حالت له پاکستان وروسته افغانستان په راتلونکي کې هم دلازیاتوسیلابونو شاهدوگرځوي چې لامله باید دهیوادونو مسئولین اوچارواکي ددا ډول موسمي تغیراتو لپاره تیاری ولري.

په سږنیو سیلابونوکې لکه چې زمونږ دهیواد دجنوبي سمیې ولایتونو (ننگرهار، لغمان او کنړ) درانه زیانونه ولیدل او پدې ولایتونو کې په مختلفو ولسوالیو داسې سیلابونو راو وتل چې زمونږ په سلگونو هیوادوالو ته یې درانه مالي او ځاني تلفات واړول، زراعتي ځکمې یې له ځانه سره یووړي او دکابل جلال آبادسړك، لغمان، کوټ، خوگیانیو، روداتو، شینوارو، بهسودو، کامې او خیوې په ولسوالیو کې ځاې پرځاې سړکونه هم وشللول چې په ځینوسیموکې دځو ورځولپاره لیارې بندې وې اوددې سیمو خلك یې له خپلوکورونوڅخه وتلواړکړل ددې ځوبرابره زیات تلفات یې زمونږ گاونډي هیواد پاکستان کې لرل چې دپاکستان په تاریخ کې داتیا کلونو راهیسې دا درانه سیلابونه وو: ځکه پدې سیلابونه کې په ټول پاکستان کې او په ځانگړي توگه په شمال لویدیځه صوبه ((خیبر پښتونخوا)) کې یې په زرگونو انسانان له کورونو ویستي او له خپلو سیمو څخه یې په کډه اخستلواړکړیدي او هم یې له دوه وو زرو څخه زیاتو مسلمانانو څخه ژوند اخستې دقبایلي سیموپه شمول د نوښار، مردان او چارسدې ضلعې یې ډیرې زیاتې، خرابې کړیدي: دنوښار ښار نږدې ټولو کورونو ته او په دومره اوچتې شوي چې د ډیری کورونو لومړی منزلونه په اوبوکې ولاړدي او خام کورونه خویې ټول نړولي دي، دپیښور او نوښار په لیاره دزا خیلو مهاجرینو کیمپ او هم دپیښوراوچارسدې په لیاره دخزانې، ناگمان دمهاجرینو کیمپونه او دشمشتوپه لیارکې دزندی او باغبانانو سیمې یې ډیری زیاتې خرابې کړي او دغلته موجود کیمپونه یې وړي دي چې ددې سیمې میشتو مهاجرینو خپلې سرپناه گانې له لاسونو ورکړیدي او دچاله خواورسره مرستې هم ندې شوي.

تیرکال هم دلنډیکوتل او خیبر په سیموکې سیلابونو ځاې پرځاې سړکونه شلولي او دخلکوکورونه له ځانه سره وړي وو او سږکال هم په همدې سیمو او ورسره نږدې سیمواو نوښار، مردان او چارسده ضلعو کې ډیردارنه سیلابونه راوتل چې دداډول آفتونو په وړاندې ددې سیمې حکومتی چارواکي زمونږ دهیواد دچارواکو په څېر هیڅ مخکینې تیاری نلری او ډیرخلې په لوی لاس د ددې سیلابونوپه تلفاتو او زیانونوکې زیاتوالی راولي: دمثال په توگه دسیلابونو په مسیرونوکې دخلکو دآبادیو نه مخنیوی اویا دسیلابي اوبو دراوتلوپه ځایونو کې دخاورو ډیری کیدل او مخرجونه بند پریښودل لکه چې دکابل جلال آبادپه لیار کې له سروبي ښکته د سړك د یوې برخې وړلو لامل هم دا وو چې دلته د سړك لاندې سوری له یوې ورکوټې او له بلې خوایې مخه په ډیروزیاتو خاورو ډب وه چې اوبو آخر سړك دیوې ورکوټې اوله بلې خوایې مخه په ډیروزیاتو خاورو ډب وه چې اوبو آخر سړك هم له ځانه سره راتاو کړ. که مسئولین له مخکې څخه دا ډول تدابیر ونیسي چې دسیلابونو په مسیرونوکې کورونو جوړولوته اجازه ورنکړي اویاداسې د گټو اوخاورو ډیری له مخې څخه لیرې کړي نوښایې بیا دومره تلفات ونلري لکه تیرکال هم د جلال آباد داکمالاتي بیس سیمې له همدې امله سیلاب دشپې یووړي او زمونږ دځو تنو هیوادوالو دمړینې لامل شو.

N.D.I
او زمونږ ونډه

خیاند

تیره پنجشنبه د زمری د میاشتیې په ځوارلسم، د سیاسي گوندونو د ښوونکو د دویمې دورې د فراغت سندونه د انترکانتي ننتال هوتل د بامیان په رېستوران کې، ورکړل شو.

غونډه د قرآنکریم د ځو مبارکو آیتونو په تلاوت سره د سهار په نهو بجو پیل شوه او وریسې ددې انستیتوت د مسوولینو (اندي کمپبل او براین اودي) له خوا د تیرو کړنو او فعالیتونو رپوټ وړاندې شو او د سیاسي گوندونو د کار د څرنگوالې په اړه معلومات ورکړ شو.

وریسې د دې دورې یو فارغ د نورو په استازیتوب او د سیاسي گوندونو ځینې مشران هم وغږیدل. بیا د فراغت سندونه د همدې له خوا وویشل شو.

باید ویل شي چې N.D.I (نشنل دیموکراتیک انستیتوت) په تیروڅه د پاسه شپږوکلونوکې په افغانستان کې د ډیموکراسي د ودې لپاره او د سیاسي گوندونو د فعالونو د روزنې او پوهاوي په موخه، یولړ روزنیز پروگرامونه لري دا یوه غیر انتفاعي، غیر حزبي او غیر دولتي انستیتوت ده چې د سیاسي گوندونو د تقویې، د مدني ټولنو د ځواکمن کیدو او د ټاکنو د ترسره کیدو لپاره کار کوي. نوموړی انستیتوت د نړی په هیوادونو کې کار کوي.

زمونږ په هیوادکې د بهرنیو مؤسسو په اړه بیلابیل نظرونه شته. خو د ډیرو له نظره دا موسسې خاص اهداف لري او کیداي شي چې خاص سیاسي او فکری اغراض هم ولري. ځینې خلک ویره لري چې دامؤسسې زمونږ د دین او کلتور په حریم تیری وکړی او زمونږ د ځوانانو د فکر او عقیدې د بدلون لپاره هڅې وکړي.

افغانان د بهرنیو مؤسسوله مرستې نه مننه لري خو شرط یې داده چې دا کار او مرستې بې غرضې وي او زمونږ په دیني ارزښتونو باندې تیری ونشي. خلک ویره لري چې دا مؤسسې د مرستې تر نامه لاندې د مسیحیت لپاره کار ونکړي او زمونږ د خلکو او په تیره د ځوانانو د گمراهي باعث ونگرځي.

خو دا خبره جوته ده چې تر اوسه پورې د N.D.I د کار په ساحه کې داسې کومه نښه او نښانه نده لیدل شوې چې دا مؤسسه کوم خاص منفي اغراض ولري. له دې کبله مونږ د دوی له هڅونه ملاتړ کوو او په دې باوریو چې نباید ټولو مؤسسوته په یوه سترگو گورو او د احتیاط ترځنگ په ټولو باندې نباید بدگمانه واوسو.

د افغانستان اسلامي جمعیت له پیل نه د دې موسسې سره اړیکه لري او په پروگرامونوکې برخه اخلي.

په اوله دوره کې د اسلامي جمعیت له خوا دوه کسان وروپیژندل شوي و چې عبارت و له منیره بهارکي او بشیراحمد فاروقي او بیا په دویمه دوره کې هم زمونږ استازی سید برهان خلیلي و چې د ښوونې تر څنگ په عملي برخه کې په کابل، ننگرهار، تخار او بدخشان کې د سیاسي مبارزو او د انتخاباتو لپاره د کمپاین د طریقو په هکله روزنیز پروگرامونه درلود او د پوهاوي په لړکې د جمعیت ځینې نوماندان هم شامل و.

چهارمین اجلاس رهبران کشورهای...

دیدار سه رئیس جمهور در سال ۱۳۸۳ مطرح شده بود.

سه رئیس جمهور قرار است در سال آیندهٔ میلادی پنجمین اجلاس مشترک را در کابل برگزار کنند.

دفتر ریاست جمهوری افغانستان در آستانهٔ سفر حامد کرزی به تهران با انتشار اعلامیهٔ اعلام کرده بود که آقای کرزی طرح مشخصی را برای حل مشکلات مهاجران افغان در ایران با خود دارد و آن را در اجلاس سه جانبه مطرح خواهد کرد.

نزدیکی افغانستان با ایران در شرایطی صورت می گیرد که با گذشت هر روز روابط امریکا بزرگترین متحد افغانستان در جنگ با تروریزم با جمهوری اسلامی ایران خراب تر شده می رود.

از دید ایران افغانستان کشوری اشغال شده است و حضور امریکا در افغانستان و منطقه برای ایرانیان غیر قابل تحمل است.

چندی پیش رئیس جمهور ایران در سفری که به کابل داشت امریکا را کشور اشغالگر، شکست خورده اعلام کرد و خواهان اخراج فوری نیروهای غربی از منطقه شد.

حرف های آقای احمدی نژاد در آن وقت، با واکنش های تندی از سوی مقامات غربی رو به رو شد، امنا مقامات دولت افغانستان اظهارات وی را مبتنی به سیاست های آن کشور عنوان نموده و چیزی بیشتر از آن اظهار نظر نکردند.

از زمان ایجاد ادارهٔ موقت در سال ۱۳۸۰ هجری خورشیدی افغانستان با ایران روابط دوستانه دارد و روابط چند جانبهٔ افغانستان با دشمنان ایران، به ویژه امریکا، در روابط این دو کشور سکتگی ایجاد نکرده است.

از آن جایی که گاه گاهی خبر های جنگ افروزانه از سوی مقامات غربی برضد ایران شنیده می شود دولت افغانستان در این خصوص گفته است، هیچگاهی اجازه نخواهند داد که از خاک افغانستان برضد.کشور دومی حمله صورت بگیرد.

حق انسان در انتخاب کردن

دیدگاه اسلام نسبت به حقوق سیاسی انسان

سید ناصر تقدسی

پیوسته به گذشته:

الف- انتخابات بهترین گزینه برای اصلاح:

اصلاحات در عرصه های مختلف جامعه، زمانی به وجود می آید که نیروهای مصلح و خیر اندیش جای نیروهای مفسد و بیمار را بگیرند؛ زیرا روند اصلاح اجتماعی برای رسیدن به اهداف خود، به سان کارهای دیگر نیاز مبرم به ایجاد تبدّل دارد، درست مانند انسان بیماری که عضوی از اعضای بدنش دچار فساد شده باشد و اگر به دور کردن آن و به نصب عضو سالم دیگری به جای آن نپردازد، بدون شک میکروب فساد همهٔ بدنش را آسیب می زند و در نتیجه حیات خویش را از دست خواهد داد!

انتخابات در جوامع انسانی، خوب ترین هنجار و بهترین وسیله است که با استفاده از آن، در تمام مؤسسات دولت، از بالاترین ارگان گرفته تا پایین ترین آن، اصلاحات به وجود می آید. روند اصلاحات در صورتی تسریع می یابد و به بار می نشیند که افراد نیک نام، پاک نفس و مسؤولیت پذیر بر پایهٔ کار آزمودگی، تخصص و دانش از طریق رأی گیری عادلانه و شفاف و به دور از دخالت ارگان ها و مسؤولان حکومتی کرسی های مورد نظر را پر کنند. در غیر آن هر عملیه یی که در سایهٔ زر و زور به نام انتخابات و یا رقابت آزاد، راه اندازی شود، از اعتبار قانونی برخوردار نیست و جامعه را به سوی تباهی و استعباد سوق خواهد داد که کم ترین پیامد آن، ایجاد بی اعتمادی میان ملت و دولت و حاکمیت تنشج و انارشی بر سرنوشت مردم است.

ما در روزگاری به سر می بریم که حرف اول و آخر، در خصوص تصمیم گیری های مثبت و منفی، از آدرس آرای مردم زده می شود؛ و آرای ملت است که نیروهای مفسد و یا مصلح را در راستای رسیدن به هدف -قطع نظر از این که خوب است و یا بد- یاری می رساند و باز هم آرای مردم است که عناصر نیکو کار و یا تبهکار را در اکثریت قرار داده و برنده می سازد!

از این رو، بر تمام اقشار جامعه واجب است -در صورتی که به نزاهت و شفافیت انتخابات یقین داشته باشند و از استقلال کشور خویش مطمئن باشند- برای استعمال آرای خود، به نفع کاندیداهای اصلح و شایسته بیرون شوند؛ کاندیداهایی که از کفایت، امانت و صدق لازم برخوردار اند و می توانند، با بهره گیری از دانش و تخصص خود در جامعه تحول بیافرینند و در چهارچوب شریعت خدا برای بهبود اوضاع کشور قانون گذاری نمایند.

ب- وجوب استعمال رأی:

شرکت در یک انتخابات آزاد و منصفانه و تحت شرایطی که با آموزه های دینی تطابق داشته باشد، یکی از نیازهای اساسی جامعه است و استعمال رأی در چنین روند، از واجبات شرعی هر فرد مسلمان پنداشته می شود؛ زیرا رأی به معنای شهادت است و هنگامی که موعد انتخابات اعلام می گردد، در واقع مردم برای ادای شهادت فرا خوانده می شوند؛ در این حالت سه گزینه در پیش روی تان قرار خواهد داشت:

نخست: شهادت حقانی و صادقانه است که شما با اجرای آن، کَسی را بر می گزینید که از هر لحاظ شایسته و واجد شرایط است و به خوبی می تواند از عهدهٔ مسؤولیت ها و مکلفیت های وظیفه یی خود به درآید.

دوم: شهادت زور و دروغ است که شما خدای نخواسته، با فریب وجدان و ضمیر خود، آخرت خویش را در برابر دنیای دیگران می فروشید.

سوم: عدم اشتراک و امتناع از استعمال رأی است. در این دو حالت اخیر (شهادت زور و امتناع از استعمال رأی) در حقیقت شما برای فساد و نیروهای مستبد، زمینهٔ حاکمیت و فرمانروایی را فراهم کرده اید و در ستم و هر گناهی که آنان مرتکب می شوند شما شریک خواهید بود، چون یا با رأی دادن برای این تبهکاران آنان را یاری رسانده اید و یا با امتناع از استعمال رأی، با توجه به این که یک رأی هم در تعیین سرنوشت یک نامزد نقش دارد، از حمایت صالحان جامعه دست برداشته اید که در هر دو صورت پادافرهٔ الهی در کمین خواهد بود!

مسألهٔ مهم دیگری که از یاد مان نرود، این است که دادن رأی به مفهوم دادنِ شهادت است، پس عدم مشارکت در روند رأی دهی کتمان شهادت محسوب می شود؛ چیزی که در فرهنگ دینی ما از گناهان بزرگ پنداشته می شود و عاملان آن مستوجب سخت ترین مجازات اخروی دانسته شده اند، چنان که در قرآن می خوانیم: (وَ مَن یَکتُمهَا فَإنَّـهُ آثِمٌ قَلبُـه) یعنی: هرکسی که شهادت را بپوشاند قلبش گنهکار است.

در پایان شایان یادآوری می دانم که آنچه در این بحث مطرح شد، در جایی مصداق می یابد که در آن جا ضمانتی برای شفافیت و عدالت انتخابات وجود داشته باشد و به آرای مردم دست برد زده نشود، اما در سرزمین هایی که هیچ گونه ضمانتی برای برگزاری انتخابات عادلانه و بی طرفانه موجود نباشد و از روند رأی دهی و رأی گیری برای کامیابی پروژه های استعماری، بهره گرفته شود و بیگانگان در لفافهٔ انتخابات به جا به جایی مهره های مورد نظر خود بپردازند، در این صورت مشارکت در انتخابات نمایشی، در واقع آب ریختن به آسیاب استبداد بوده و مشروعیت دینی ندارد.

شرایط مذاکره با اسرائیل را منوط به توقف کامل شهرک سازی اسرائیل در سرزمین فلسطین، عقب نشینی نیروهای اشغالگر از سرزمین های اشغالی و بازگشت این نیروها را به مناطق قبل از ١٩٦٧ عنوان می کند، با آنهم محمود عباس به رام الله بر می گردد، تا توافق گروه های مختلف فلسطین، از جمله حماس را در خصوص مذاکره جلب نماید.

دفتر خبرگزاری نخست وزیر اسرائیل نیز آمادگی خود را به این مذاکره اعلان داشته است. به گفتهٔ آگاهان سیاسی، اسرائیل آماده نیست تا سرزمین های اشغالی قبل از سال ١٩٦٧ را به فلسطین و سایر کشور های عربی باز گرداند تا مهاجرین این مناطق به سرزمین های اصلی خویش باز گردند. این تصمیم اتحادیه عرب مانند سایر تصمیم های گذشته خود، جنبهٔ عملی نداشته، فقط می تواند برای اسرائیل فرصت عمل بیشتر را فراهم سازد. هرچند رهبری فلسطین همواره در جهت مذاکرهٔ مستقیم با اسرائیل تلاش نموده اند؛ ساطق فلسطین به کدام نتیجه منجر نگردیده است؛ از جانب دیگر اسرائیل مولود غرب است و غرب حاضر نیست تا امتیازات بیشتر را اسرائیل به فلسطین بدهد. بدون فشار هماهنگ و حساب شده از سوی حکومت های غرب و امریکا اسرائیل حاضر نخواهد شد، تا کوچکترین گام را در جهت حقوق فلسطین بردارد. از جانب دیگر گروه حماس که قوی ترین گروه نظامی در فلسطین است حاضر به مذاکره با اسرائیل نیست و شرایط این گروه در مورد مذاکره را قبل از همه توقف کامل شهرک سازی، تخلیه سرزمین های اشغالی و بازگشت مهاجران فلسطین به سرزمین خویش می داند و بدون این شرایط مذاکره با اسرائیل را مردود می شمارد.

در خصوص مذاکرهٔ مستقیم فلسطین با اسرائیل، تا هم اکنون گروه های مختلف فلسطین به توافق نرسیده اند. از سوی دیگر فلسطین طی سال های اخیر دوستان قدرتمندی را که از منافع فلسطین حمایه و قرار، فتنهٔ دیگر در لبنان به تحریک اسرائیل آغاز خواهد یافت.

نشست سه جانبهٔ عربستان سعودی، سوریه و لبنان از یک بحران عمیق در خاور میانه خبر می دهد. در این نشست بشار اسد رئیس جمهور سوریه، ملک عبدالله پادشاه سعودی در دیدار با میشل سلیمان اطمینان دادند که به دنبال تدوام ثبات در لبنان می باشند و در جهت تقویت وحدت ملی لبنان، به ویژه در سایهٔ تهدیدهای اسرائیل تأکید ورزیدند.

بعد از قتل حریری در سال ٢٠٠٥ نیروهای سوریه لبنان را ترک نمودند و برخی از کشور ها به ویژه اسرائیل، سوریه را در قتل حریری متهم می دادند. ملک عبدالله که از متحدین حکومت میشل می باشد در این سفر حسن نیت خواسته است تا به مثابهٔ یک میانجی بی طرف در لبنان عمل نماید. هر چند این نشست کدام نتیجهٔ ملموس نداشت؛ اما تحکیم وحود اسرائیل از سوی جامعهٔ عرب در شرایطی مطرح می گردد که وزیر خارجهٔ رژیم صهیونستی برای پایان دادن به انزوای این رژیم در عرصهٔ جهان اسلام، طرحی را در دست دارد که بر اساس آن نوار غزه از سرزمین فلسطین جدا می گردد.

لیبرمن وزیر خارجهٔ اسرائیل طرحی را در راستای پایان دادن به نوار غزه تدوین کرده است که طبق آن نوار غزه به یک منطقهٔ مجزا از فلسطین اشغالی تبدیل خواهد شد. اسرائیل با این طرح خاینانهٔ خویش خواسته است تا به اشغال فلسطین پایان دهد و قسمت های مهم آنرا که با دنیای خارج؛ به ویژه مصر راه ترانزیت دارد از پیکر فلسطین جدا سازد. به این اساس با قوی شدن اسرائیل طرح های خطرناک و مدهش را اسرائیل در خصوص سرزمین فلسطین، در آستین دارد. اگر اتحادیهٔ عرب، کشور های صلح دوست و نهاد های ضد جنگ بین المللی به آن توجه ننمایند، فاجعهٔ بزرگ انسانی دیگری در راه خواهد بود.

انتخابات ولسی جرگهٔ سال ١٣٨٩...

رهبری کمیسیون مستقل انتخابات مجبور به کنار رفتن به نام استعفا شوند.

با تعویض رهبری جدید کمیسیون مستقل انتخابات، مردم فعلاً نگرانی های قبلی را ندارند. آقای معنوی رئیس این کمیسیون که صد روز از توظیف شدنش به این مسوولیت می گذرد، در یک کنفرانس خبری، انتخابات ولسی جرگهٔ ٢٧ سنبلهٔ ١٣٨٩ را متفاوت تر از انتخابات سال گذشته عنوان کرد.

به گفتهٔ آقای معنوی، بدتر شدن اوضاع امنیتی در کشور، مشکلات و چالش های زیادی را سر راه انتخابات پارلمانی قرار داده است، اما با آن هم آمادگی ها برای برگزاری هر چه بهتر انتخابات از سوی این کمیسیون اتخاذ شده است.

رئیس کمیسیون مستقل انتخابات از بدو انتخابش در این پست، بارها بر شفافیت و عادلانه بودن انتخابات تأکید کرده است اما در صد روز کارکردش نیز جداً تأکید کرد که، هیچ زورگو، قلدر، قدرتمند، ثروتمند و استفاده جو نخواهد توانست ما را تحت تاثیر خود در آورد و پروسه ملی انتخابات را صدمه بزند، در صورت اتفاق چنین امری ما سکوت نخواهیم کرد.

آقای معنوی افزود، هشدار برای انجام هرعملی خلاف قانون، خلاف اخلاق عمومی، خلاف برنامه های پذیرفته شدهٔ کمیسیون، از سوی هرکسی در هر سطحی که باشد و به هر آدرسی که تعلق داشته باشد، با واکنش شدید، مواجه خواهد شد.

رئیس کمیسیون مستقل انتخابات به مسوولین و کار کنان کمیسیون انتخابات نیز هشدار داد که در این راستا صادقانه عمل کنند و نگذارند به آرای مردم خیانت شود. چندی قبل برای اولین بار آقای معنوی مسوولین کمیسیون انتخابات ولایات را به مرکز فراخوانده و رسم تحلیف بجا آورد و تعهد شان را در این که صادقانه عمل نمایند، گرفت.

در حال حاضر آقای معنوی با کارکردهایی معقولی که دارد طرف تأیید همه قرار دارد. این که انتخابات چگونه برگزار می شود، کارکردهای این کمیسیون در قبال انتخابات چگونه خواهد بود، آیا واقعاً شفافیت و عادلانه بودن انتخابات زیر سوال نخواهد رفت و ...، سوالاتی است که زمان به داوری خواهد نشست.

اتحادیۀ عرب و تصمیم مذاکرۀ مستقیم فلسطین با اسرائیل



پوهندوی عبدالعلی کوهی استاد دانشگاه کابل

سران عرب در نشست اخیر خود در قاهره (۲۹ جولای) تصمیم گرفتند تا فلسطین و اسرائیل مذاکرات صلح را به طور مستقیم از سر گیرند. به دنبال حملۀ اسرائیل در سال ۲۰۰۸ به مناطق غزه که در آن تلفات انسانی و خسارات زیادی مادی به این مناطق به وجود آورد، تداوم این مذاکرات از سوی فلسطین توقف داده شد. تصمیم سران عرب در مورد مذاکرۀ مستقیم فلسطین با اسرائیل از سوی وزرای خارجۀ سیزده کشور اتحادیۀ عرب، در شرایطی عنوان می گردد که غزه در محاصرۀ اسرائیل قرار دارد و ظرف دو سال بدینسو، روابط اقتصادی و انسانی فلسطین که یگانه راه مواصلاتی زمینی آن در نوار غزه؛ یعنی رفح می باشد، در محاصرۀ کامل قرار گرفته است.

با وجود تلاش های جامعۀ جهانی، حقوق بشر ملل متحد و نهاد های ضد جنگ، تا هنوز این معبر از سوی اسرائیل باز نگردیده است. محمود عباس رئیس خود گردان فلسطین طوری که مرحوم یاسر عرفات در مجامع بین المللی همواره با تصویری از تفنگ و شاخۀ زیتون ظاهر شده است که تمایل این رهبری را از آغاز تا اکنون به مذاکره نشان می دهد؛ اما اسرائیل هیچگاه تمایلی به مذاکره نداشته است و حاضر نیست تا روی مشکل اساسی فلسطین که همانا بازگشت آبرومندانۀ مهاجرین و استرداد سرزمین های فلسطینی می باشد، با فلسطین صحبت نماید، و به همین ترتیب از ساختن شهرک های مسکونی دست بردار نیست. اسرائیل در این مذاکره به گفتۀ فاروق قدومی شخصیت سیاسی و سفیر ادارۀ خودگردان فلسطین در لبنان، می خواهد شرایط خود را بر فلسطین تحمیل نماید.

به گفتۀ این دیپلومات کهنه کار فلسطین، این گونه مذاکرات فقط یک غذای سیاسی بوده می تواند؛ زیرا در خصوص مشکل فلسطین و اسرائیل تلاش های قصر سفید و اوباما در خصوص توقف شهرک سازی در پشتیبانی می نمودند؛ چون: حسنی مبارک، حافظ اسد، ملک فیصل و ملک حسین از دست داده است. رهبران کنونی اتحادیۀ عرب جز توصیه های اخلاقی و میزبانی یک چنین مذاکرات، کار دیگری از آنها ساخته نیست. طوری که دیده می شود در برخی از موارد قضیۀ فلسطین به یک آجندای مأیوس کنندۀ اتحادیۀ عرب تبدیل گردیده است. امروز در برابر اتحادیه عرب، نه تنها مشکل فلسطین وجود دارد؛ بلکه ده ها مشکل دیگر در میان اعراب قد برافراشته است که این اتحادیه نه توانسته است به آنها رسیدگی نماید؛ چون: مشکل سودان و دارفور، سومالی، حرکت های ضد حکومتی در یمن، عراق، لبنان وغیره. از سوی دیگر محکمۀ جنایی بین المللی قرار است تعدادی از اعضای حزب الله را در قتل رفیق حریری که در سال ۲۰۰۵ در لبنان به قتل رسیده است، متهم نماید و در صورت اجرای این

ملی، مصالح ملی، تحکیم نهاد های قانونی از سوی سخنرانان این نشست عنوان گردیده است.

بشار اسد گفته است که باید موضوع حزب الله در شرایط کنونی مسکوت گذاشته شود، تا فتنۀ جدید در منطقه ایجاد نگردد و اسرائیل از آن سود نبرد، زیرا حسن نصر الله نتیجۀ هیئت تحقیق را به ضرر حزب الله، توطیۀ اسرائیل و امریکا می داند.

به هر صورت شرق میانه در حالت تشنج و بحران به سر می برد، از جمله مذاکرات مستقیم اسرائیل و فلسطین در شرایطی عنوان می شود که نخست وزیر اسرائیل توقف شهرک سازی در سرزمین های فلسطین را از سوی این رژیم، منجر به سرنگونی حکومت ائتلافی خویش می داند. نتنیاهو در یک روزنامۀ اسپانیوی گفته است که برنامۀ تعلیق ساخت شهرک های یهودی نشین، پس از ۲۶ سپتمبر از لحاظ سیاسی غیر ممکن خواهد بود و به فروپاشی حکومت وی منجر خواهد گردید. در همین حال (سیلون شالون) معاون نخست وزیر اسرائیل گفته است که شروط عباس برای پیشبرد روند مذاکرات مستقیم با اسرائیل غیر قابل قبول بوده و اجرای آن غیر ممکن می باشد. فلسطینی ها در مذاکرات سال ۲۰۰۸ میلادی سه شرط مهم را با اسرائیل در میان گذاشته بودند که آنها عبارت بودند؛ از: عقب نشینی کامل اسرائیل از کرانۀ باختری و بیت المقدس شرقی و توقف شهرک سازی در سرزمین های فلسطین. این شروط از جانب اسرائیلی ها در آن زمان غیر ممکن خوانده شده بود. این بار مذاکرۀ مستقیم فلسطین با

افزایش تلفات انسانی و ...

تن از نیروهای خارجی در مناطق مختلف کشور کشته شده‌اند.

در همین حال، علی‌رغم گسترش آمار بی‌کاری و ادامۀ بحران اقتصادی در امریکا، بارک اوباما، رئیس‌جمهور این کشور، لایحۀ بودجه نظامی ۳۷ میلیارد دالری جنگ در افغانستان و عراق را چندی پیش امضا نمود.

به گزارش خبر گزاری فرانسه به نقل از موسسۀ گلیپ که به همکاری روزنامۀ u.s.i today انجام شده، نظر سنجی ها در امریکا نشان میدهد جنگی را که تحت هدایت نظامیان امریکا ومتحدان وی در افغانستان جاری است، هم اکنون بیش از هر زمان دیگر در میان مردم امریکا منفور است.

حضور ۱۴۰ هزار نظامی خارجی در افغانستان در حالی است که نیروهای خارجی تحت امر امریکا اخیراً، خونبارترین روزهای حضور خود را در افغانستان از سال ۲۰۰۱ تاکنون را تجربه کرده‌اند.

بالا رفتن آمار تلفات نیروهای خارجی سبب بر انگیختن افکار عمومی در غرب شده است.

حکومت کشور هالند که چند پیش برسر حضورش در افغانستان دچار اختلاف شده بود، سقوط کرد.

نارضایتی ها وفشار افکار عمومی در آن کشور سبب شد تا مقامات هالند دستور خروج دو هزار نیروی نظامی خود را که در چوکات آیساف در ولایت ارزگان مصروف فعالیت های اکثراً ملکی و بازسازی بودند، صادر نماید.

افزایش شمار تلفات نظامیان تحت رهبری امریکا در افغانستان، خشم و اعتراض فزایندۀ مردم کشورهای اروپایی به‌دنبال داشته است.

تلفاتی افراد ملکی و نظامی درحالی رو به افزایش است که دولت افغانستان و سازمان ملل متحد می خواهند با پیگیری آجندایی، نشست مشورتی صلح که در ۲۷ جوزای سال روان در کابل برگزار گردید، راه های گفتگو مذاکره را با مخالفان در پیش گیرند.

حذف نام پنج طالب در ابتدا و ده نفر دیگر در روز های اخیر از لست سیاه شورای امنیت سازمان ملل، به مثابۀ نشان دادن چراغ سبز و حسن نیت صورت گرفت است.

با این اقدام انتظار می رفت که مخالفان دولت افغانستان نیز از خود انعطاف نشان داده و نشانه های از حسن نیت در کنش و برخورد شان در برابر حاکمیت کنونی ابراز نمایند.

اما از آن جایی که جنگ در کشور پدیدۀ داخلی نیست، بلکه ابعاد بین المللی و منطقه یی دارد، بسیار مشکل و بعید به نظر می رسد که طالبان دست از مخالفت برداشته روند صلح و مذاکره را در پیش گیرند.

تلفات ملکی و نظامی در حالی افزایش می یابد که هم دولت افغانستان و هم جامعۀ جهانی در حالت بلا تکلیفی و سر درگمی به سر می برند.

به این معنا که جنگ وصلح به مفهوم واقعی آن در کنش و رفتار های آنها، در برابر مخالفان شان به یک پدیدۀ انتزاعی و ذهنی تبدیل شده است.

تجربه در جنگ های جنوب کشور نشان داده است که دولت افغانستان و نیروهای آیساف مستقر در کشور نیت و یا هم برنامۀ جدی بر ضد شورشیان ندارند.

عملیات تصفیوی در قندهار که قرار بود هشت ماه پیش انجام یابد به دلایلی تا هنوز از سرنوشت آن خبری نیست.

در ولایاتی که طالبان حسابی حضور نظامی دارند، واکنش های ضعیف های دولت سبب شده است که با گذشت هر روز طالبان جرئت بیشتر بگیرند. همان گونه که در خبرها شنیده می شود در این روز ها جنگ های پراگنده در برخی از ولسوالی های هلمند ادامه دارد. سال گذشته بزرگترین عملیات مشترک نیروهای خارجی و دولت افغانستان در این ولایت انجام شد.

انتظار می رفت که دیگر مخالفان دولت برای سرکوبی در آن جا سنگر نگیرند. اما دیده شد که با گذشت هر روز طالبان به پایگاه اصلی شان که زمانی از آن جا صحت و سلامت گریخته بودند دوباره برگشته اند.

کارشناسان، علت اصلی برگشت طالبان را در صحنه های نبرد، نبود برنامه برای حکومت داری بهتر، ایجاد زمینه های کار و اشتغال و عدم به دست آوردن دل های مردم از سوی دولت مرکزی عنوان می کنند.

از سوی دیگر تحلیل گران نظامی معتقد هستند که راهبرد و استیراتژی جنگ بیشتر جنبۀ استخباراتی دارد. درتعریفی که از استراتیژی جنگ شده است، عبارت از کار بردِ تاکتیک ها و راهکارهای می باشد که به صورت پنهانی طراحی و به طور فوری در صحنۀ عمل تطبیق می گردد.

اما دولت افغانستان بدون در نظر داشت آن ، با اعلام آمادگی های از پیش و سردادن بوق و سرنا در هوشیار ساختن دشمن، در فرار و پنهان شدن، آن ها کمک می کند.

بنا برآن سیاست های مبهم، و چند پهلوی جامعۀ جهانی و دولت افغانستان سبب شده است که با گذشت هر روز مخالفان قوت بیشتر گرفته چالش های تازه یی را ایجاد نمایند.

این سیاست های گیج کننده زمانی به اوج رسید که افشای ۹۱ هزار راز جنگی در افغانستان توسط سایت ویکی لیکس در مطبوعات دنیا نشر شد، اما دولت افغانستان و برخی از کشورها در برابر یافته ها و رمز و راز های که در آن وجود دارد، ابراز نظر جدی نکرده است و خاموشانه از کنارش عبور می نماید.

با این همه مردم در سراسر کشور انتظار دارند که روزی فرا رسد تا دیگر شاهد کشته شدن فرزندان شان نباشند و همه با هم در سایۀ صلح و امنیت زندگی مسالمت آمیز داشته باشند.

هفته نامۀ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می‌کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتي جمعيت اسلامي افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.

● مطالب آمده مسترد نمی گردد.

● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قران قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم – سال نهم – شمارۀ شانزدهم ۱۶ اسد ۱۳۸۹   ۲۶ شعبان المعظم ۱۴۳۱ - 7 Agu 2010

رئیس کمیسیون مستقل انتخابات:

انتخابات ولسی جرگۀ ۲۷ سنبلۀ ۱۳۸۹ متفاوت تر از انتخابات سال گذشته است



* فیض *

طوری که می دانید انتخابات ولسی جرگه نزدیک است و به تاریخ ۲۷ سنبله مردم افغانستان که واجد شرایط رأی دهی اند، به پای صندوق های رأی خواهند رفت و برگه های رأی را برای کاندیدای مورد نظرشان خواهند ریخت.

امیدواری این است طبق قانون اساسی،انتخابات، این امر مهم و سرنوشت ساز به توفیق پرودگار لایزال، به طور آزاد، عادلانه و با شفافیت تمام بسر رسد.

انتخابات که تمثیل کنندۀ ثبات و تعیین سرنوشت ملت ها می باشد، بدون شک با برگزاری انتخابات و تعیین نمایندگان مردم است که یک بخش قوۀ کشور که قوۀ مقننه می باشد، تکمیل می گردد و با انفاذ قانون است که باشندگان یک کشور در فضای آرامش و به دور از تاخت و تاز صاحبان زور و زر حیات بسر می برند. بر مردم است، تا با رأی شان بر حاکمیت و قانون و تعیین نمایندگان واقعی شان، مهر صحه بگذارند.

جهت برآورده شدن این مامول، و به خاطر داشتن یک کشور آزاد و مستقل، و به خاطر تعیین سرنوشت به دست خود، خلاصه به منظور آبرو و حیثیت خود، مردم و وطن، دست به دست هم دهید تا مردم بر سرنوشت شان حاکم شوند. که برآورده شدن این امرمهم و حیاتی فقط و فقط در تصمیم و رأی صادقانۀ شما میسر است.

گرچه در انتخابات دور دوم ریاست جمهوری و شورای ولایتی در پی تقلب ها و تخطی های گسترده یی که رخ داده بود دست اندرکاران کمیسیون انتخابات را دخیل آن می دانستند، رهبری دولت افغانستان و جامعۀ جهانی نیز به این تقلب گسترده مهر صحه گذاشتند، و این فشارها باعث شد تا ص۷

* عنایت

افزایش تلفات انسانی وچشم انداز جنگ در کشور



ماه گذشته در افغانستان خونین ترین ماه خواندهٔ شده است. در اعلامیۀ که از سوی وزارت داخله نشر شد،آمار تلفات ملکی را بین یک هزار تا نه صد نفر اعلام کرده است. در بین کشته شدگان ماه گذشته ۲۷۰ نفر افراد ملکی هستند که اکثریت شان را کودکان و زنان در برمی گیرد.

در واقعات جداگانۀ مانند بمب گذاری های کنار جاده یی، حملات انتحاری ودرگیری های رویاروی که عمدتاً در ولایات شرق و جنوب انجام شده، ۱۲۵ نفر تنها از پلیس ملی در ماه گذشته جان های خود را از دست داده اند.

در اعلامیۀ نشر شده از سوی وزارت داخله، از تلفات افراد ارتش و امنیت ملی تذکاری به عمل نیامده است. از آن جایی که وزارت دفاع و امنیت ملی در برابر شورشیان مصروف نبرد است، احتمال تلفات آنها نیز وجود دارد.

به گفتۀ زمری بشری سخنگوی وزارت داخله ۶۷۲ نفر از افراد طالبان طی نه ماه گذشته در برابر نیروهای دولتی وآیساف کشته شده اند.

در همین حال سخنگویان نیروهای آیساف در افغانستان اعلام کرده اند که ماه جولای پرتلفات ترین ماه برای نیروهای خارجی در افغانستان بود. رابرت گیتس وزیر دفاع امریکا در گفتگویی با شبکه تلویزیونی ای، بی، سی، افزایش نیروهای ناتو را در کشور تأیید کرد.

در پی کشته‌شدن ۶۳ تن از سربازان ناتو در افغانستان، ماه جولای مرگ بارترین دوران حضور نظامی آنها در افغانستان بوده است. اواسط هفتۀ گذشته بر اثر بمب‌گذاری‌های اخیر در مناطق جنوبی افغانستان دستکم ۳ سرباز امریکایی کشته شدند که این امر سبب افزایش آمار تلفات نظامیان امریکایی درافغانستان گردیده است.

با احتساب کشته‌شدن این ۳ سرباز امریکایی، شمار تلفات کل نیروهای خارجی در افغانستان در ماه گذشته به ۶۶ تن می رسد.

گفتنی است از ابتدای سال جاری میلادی تاکنون بیش از ۴۰۰ ص۶

بعد از مخالف های شدید با اعمار مسجد و مرکز فرهنگی در جوار ویرانه های مرکز تجارتی نیویارک موافقت شد

کمیتۀ شهرداری نیویورک با احداث یک مسجد در نزدیکی محل حملات یازدهم سپتمبر موافقت کرده است.

این درحالی است که طرح احداث یک مرکز فرهنگی ۱۳ طبقه یی و یک مسجد در نزدیکی محل ویرانه های برج های مرکز تجارت جهانی، جنجال هایی را به همراه داشته است.

مخالفان احداث این مسجد امیدوار بودند کمیتۀ حفاظت از ساختمان های تاریخی نیویورک با تخریب یک ساختمان تجاری قدیمی و ساخت مرکز فرهنگی مسلمانان مخالفت کند.

بعضی از بازماندگان قربانیان حملات یازدهم سپتمبر ۲۰۰۱ از مخالفان احداث مسجد در نزدیکی محل این حملات در نیویورک هستند.

کمیتۀ حفاظت از ساختمان های تاریخی امریکا اعلام کرد، ساختمان تجاری واقع در محل احداث مسجد ارزش نگهداری ندارد.

طرفداران احداث مسجد و مرکز فرهنگی مسلمانان بر این باورند، این اقدام به بهبود روابط بین ادیان کمک خواهد کرد.

مایکل بلومبرگ، شهردار نیویورک هم خواستار احترام به آزادی دینی مسلمانان شده است. اما مخالفان می گویند احداث این بنا در نزدیک محلی که " تند روان مسلمان" هزاران مریکایی را کشتند، بی معنی است.

سارا پیلین، نامزد معاونت ریاست جمهوری از حزب جمهوری خواهان، در انتخابات دو سال پیش و نیوت گینگریچ از روسای سابق مجلس نمایندگان آمریکا از مخالفان اصلی احداث این مسجد بودند. خانم پیلین احداث این مسجد را به معنی خنجر زدن به قلب خانواده های قربانیان حملات یازدهم سپتامبر دانسته است.

مخالفت روسای پیشین مجلس نمایندگان امریکا در حالی با احداث مسجد، صور ت می گیرد که اسلام هیچ گاهی ارتباط با تروریزم ندارد. حملۀ تروریستی ۱۱ ستمبر ۲۰۰۱ نه سال پیش، توسط شبکۀ القاعده صورت گرفت ودر آن حمله بیش از سه هزار نفر جان های خود را از دست دادند.

کارشناسان معتقدند، ساختن مسجد عبادتگاه دینی در اسلام، می تواند در نزدیکی ادیان و همزیستی آنها کمک کند.

آگهی

دفتر هفته نامۀ مجاهد از بهارستان به چهارراه دهمزنگ، به استقامت سرک دارالامان، دست چپ، نرسیده به هوتل کابل شاهان، انتقال نموده است. خوانندگان عزیز مطلع باشند.

ادارۀ هفته نامۀ مجاهد